

پژوهش‌هاک تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

بررسی حقوقی جرم شناختی جرایم ارتكابی گروهک‌های تروریستی-تکفیری با تاکید بر داعش

۱. افشین کرمی: دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران
۲. سعید عطا زاده*: دانشیار گروه حقوق، دانشگاه و پژوهشگاه علوم انتظامی، تهران، ایران. پست الکترونیک: saeidbahjat@yahoo.com (نویسنده مسئول)
۳. محمود قیوم زاده: استاد گروه معارف و حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر ساوه، ایران

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی و مطالعه « بررسی حقوقی جرم شناختی جرایم ارتكابی گروهک‌های تروریستی-تکفیری با تاکید بر داعش » انجام گرفته است. این پژوهش بر پایه روش تحلیلی- توصیفی بوده و همچنین ابزار گردآوری اطلاعات منابع اسنادی- کتابخانه‌ای است. از این رو؛ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد؛ به لحاظ رهیافت‌های جرم انگاری تروریسم؛ گروه داعش هم دارای جوهر تروریستی است و هم از روش‌های تروریستی برای رسیدن به اهداف نامشروع خود استفاده می‌کند. در شرایط حاضر با وجود اقدامات برخی دولت‌ها در زمینه شناسایی داعش و درج آن در گروه‌های تروریستی (بر اساس تصمیمات و فرایندهای حقوق داخلی کشورهای مذکور) هنوز سیاست بین المللی در این زمینه که به توصیف مذکور ماهیت بین المللی و عام الشمول بدهد اتخاذ نشده است لذا ضروری است دولت‌ها از طریق شورای امنیت ضمن درج نام آن در فهرست سازمان‌های تروریستی، آثار حقوقی بر عملکرد این گروه و حامیان آن مترتب نمایند. سیاست کیفری ایران نسبت به جرایم گروهک تروریستی تکفیری سیاست مقتدرانه و سخت گیرانه است اما از برخی خلاءها برخوردار است. در مجموع؛ هر چند به لحاظ دادگاه و مراجع قضایی صالح برای پیگیری جنایات داعش دولت عراق به استناد اصل صلاحیت سرزمینی، مقدم ترین کشور برای تعقیب و محاکمه ی این افراد است اما مهم تر از تعقیب و محاکمه توسط دادگاه‌های ملی، تعقیب و محاکمه ی اعضای داعش به ویژه سران آن در یک دادگاه کیفری بین المللی است. همچنین به نظر نمی‌رسد اقدامات یک جانبه یا حتی دو جانبه، برای مقابله با تهدیدی که جهانی است کافی باشد برای محدود ساختن تروریست‌های بین المللی همکاری و هماهنگی بین المللی ضروری است.

واژگان کلیدی: سیاست کیفری، بین المللی، ایران، جرایم، گروهک تروریستی، تکفیری، داعش

کرمی، افشین، عطا زاده، سعید، و قیوم‌زاده، محمود. (۱۴۰۲). تحریم‌های یک جانبه در رویه محاکم کیفری بین المللی با تاکید بر پرونده ونزولا ۲. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۵(۱)، ۱۰۱-۸۸

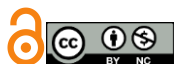
© ۱۴۰۲ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۷ اسفند ۱۴۰۱

تاریخ بازنگری: ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۵ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ چاپ: ۲۸ خرداد ۱۴۰۲



مقدمه

ترور و تروریسم پدیده تازه‌ای نیست که تاریخ بشریت با آن بیگانه باشد، بلکه روشی است که طی قرون متمادی، افراد یا گروه‌های تروریستی برای رسیدن به قدرت و اهداف سیاسی و یا در راستای نیات و مقاصد مذهبی و غیره همواره به آن متوسل شده‌اند. بنابراین؛ به لحاظ خشونت و خشونت‌گرایی بویژه ترور و تروریسم، چهره تاریخ خونین و پر جنایت به نظر می‌رسد.

در چند دهه اخیر در منطقه خاورمیانه نیز، جریانهای تروریستی- تکفیری که در نقش پاشنه آشیل جوامع اسلامی، وحدت مسلمین را نشانه رفته و با نام اسلام و در لباس دفاع از سنت یا سلفی‌گری با انجام اقدامات تروریستی خشن به تکفیر مسلمانان می‌پردازند، بزرگترین چالش کنونی جهان اسلام و یکی از عوامل مهم فتنه‌گری قرن اخیر و خاصاً چند دهه اخیر در منطقه غرب آسیا هستند که عملاً در مسیر منافع غربی‌ها و رژیم صهیونیستی گام بر می‌دارند (محمدی، ۱۳۹۲: ۲).

البته هرچند گروهک تروریستی - تکفیری داعش به شدت شکست خورده و دیگر به عنوان یک قدرت تروریستی - تکفیری در منطقه خاورمیانه و بویژه کشورهای عراق و سوریه وجود ندارد اما تفکر تکفیری این گروه تروریستی کماکان وجود داشته و دارد و این مسئله نیازمند مقابله و پیشگیری از رشد و توسعه مجدد آن بویژه از طریق دستگاه قضا و مجازات آنان دارد به نحوی که بررسی حقوقی جرم شناختی جرایم ارتكابی گروهک‌های تکفیری و بخصوص گروهک تروریستی تکفیری داعش از این نظر قابل تامل و نیازمند مطالعه و پژوهش است.

از این رو؛ با توجه به فعالیت‌های دهه‌های اخیر گروهک‌های تکفیری در اقصا نقاط دنیا و بالاخص گروهک تکفیری تروریستی داعش طرح و قوانینی در مقابله بین‌المللی و داخلی با اعمال این گروهک‌های و جریانات اعتقادی بیش از گذشته مورد نیاز بوده و لذا بررسی این موضوع که رویکرد قوانین بین‌المللی و بویژه داخلی در برخورد با عوامل این گروهک‌ها چه بوده و هست جای بررسی‌های علمی حقوقی زیادی داشته و دارد که پژوهش حاضر در صدد بررسی این موضوع بوده است.

بنابراین؛ در این نوشتار دغدغه‌ها و پرسش مورد بررسی عبارت است از این که: ماهیت اقدامات تروریستی داعش چگونه است؟ سیاست کیفری بین‌المللی و ایران نسبت به جرایم گروهک تروریستی تکفیری چگونه است؟ محاسن و خلاءهای سیاست کیفری ایران در خصوص جرایم گروهک تروریستی تکفیری چیست؟

پیشینه تحقیق

با عنایت به تحقیق و مطالعاتی که در بخش پیشینه داخلی و خارجی تحقیق مورد بررسی قرار گرفت تا جایی که محقق مطالعه کرده است و به شرح پیشینه تحقیق به آن پرداخته شد هم به لحاظ تحقیقات داخلی و هم تحقیقات خارجی، پدیده داعش از جنبه‌ها و زوایای متعددی مورد مطالعه قرار گرفته است اما به هر حال با توجه به اهمیت و مسئله دار بودن این موضوع به عنوان یک پدیده تروریستی در سطح منطقه و جهان که البته هر چند در کشورهای عراق و سوریه به صورت نسبی سرکوب و الان دیگر شاهد دولت اسلامی عراق و شام نیستیم اما هنوز در خصوص گروهک‌های تکفیری و خط مشی فکری آن‌ها خطرات و مسئله وجود داشته که در این راستا تا جایی که به این پژوهش مربوط است، بررسی حقوقی جرم شناختی جرایم ارتكابی گروهک‌های تروریستی- تکفیری با تاکید بر داعش تاکنون صورت نگرفته است با این اوصاف؛ در

نزدیک با این موضوع تحقیقاتی به این شرح قابل ذکر است: ساعدی، آرش پور و فرزانی نسب (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «مخاصمه مسلحانه عراق؛ تحلیل اقدامات ارتكابی داعش از منظر حقوق بین الملل بشردوستانه و حقوق بین الملل کیفری» نشان می‌دهد که اقدامات ارتكابی داعش در ابعاد مختلف، ضمن نقض اصول بنیادین حقوق بین الملل بشردوستانه، آستانه لازم برای تعقیب تحت جنایات بین المللی نسل زدایی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی را محقق ساخته اند. سلیمی ترکمانی (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی با عنوان «مسئولیت بین المللی اقدامات داعش در عراق» به این پرسش می‌پردازد که آیا اقدامات داعش به عنوان گروه شورشی شکست خورده، به دولت عراق منتسب می‌شود؟ نتایج این مطالعه نشان می‌دهد اقدامات غیرحاکمیتی و جنایتکارانه داعش اصولاً به دولت عراق منتسب نمی‌شود. اما استثنائاً در صورت قصور دولت عراق در سرکوب و پیگرد داعش یا اعطای عفو عمومی به اعضای آن، رفتارهای آن‌ها می‌توانست قابل انتساب به دولت عراق باشد که در این مورد نیز این رفتارها به دلیل عدم قصور دولت عراق در سرکوب و پیگرد اعضای داعش و عدم اعطای عفو عمومی به اعضای آن، قابل انتساب به دولت عراق نیست. اما اقدامات شورشیان در زمینه‌های اقتصادی، اداری و قضایی برای اداره شهرهای تحت کنترل، به شرط حاکمیتی بودن ماهیت آن، فقدان نیروهای دولتی و وجود نیاز برای انجام چنین اقداماتی، قابل انتساب به دولت است که در مورد داعش در برخی موارد، چنین شرایط سه‌گانه‌ای وجود داشته و ممکن است رفتار آنان به دولت عراق قابل انتساب باشد.

علیزاده و رحمانی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «ظرفیت‌های جامعه بین المللی برای رویارویی با گروه تروریستی تکفیری داعش (چالش‌ها و امیدها)» نشان می‌دهد در چند دهه اخیر، به موازات سیر صعودی کنش‌های تروریستی در سطح بین المللی، لزوم اتخاذ واکنش‌های ضدتروریستی درک شده و کنوانسیون‌ها و معاهدات بین المللی منعقد و تصویب شد. این تدابیر معطوف به الزام دولت‌ها به جرم‌انگاری داخلی، صلاحیت محاکم کیفری ملی و پیش‌بینی اقداماتی برای پیشگیری از اعمال تروریستی بوده است. افعال گروه موسوم به داعش نشان از این دارد که ماهیت تهدیدآمیز آن برای صلح و امنیت بین المللی، از اصل تروریسم به عنوان تهدید صلح و امنیت بین المللی نشأت می‌گیرد. کوشا (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «پیشگیری و مقابله با حملات تروریستی «داعش» در حقوق بین الملل»، به این موضوع می‌پردازد که شورای امنیت در قطعنامه ۲۲۴۹ (۲۰۱۵) تروریستی بودن عملیات «داعش» را به رسمیت شناخت. در کل با توجه به اینکه «داعش» صلح و امنیت بین المللی، آزادی و حق حیات و روابط دوستانه را به خطر انداخته است، تابعان حقوق بین الملل می‌توانند از شورای امنیت بخواهند تا علاوه بر احراز نقض صلح و اتخاذ اقدام مقتضی طبق منشور، از دیوان کیفری بین المللی درخواست محاکمه جنایتکاران «داعش» را کنند. به علاوه؛ صالحی و داوری (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «امکان سنجی محاکمه ی اعضا و سران گروه داعش در محاکم کیفری ملی و بین المللی» به این موضوع اشاره دارند که بر پایه‌ی گزارش نهادها و مراجع معتبر بین المللی، این گروه مرتکب اعمال ضد انسانی شنیع و موهنی شده است که به جهت سازمان یافتگی و گستردگی، برخی از آن‌ها می‌تواند مصداق سه جنایت مهم بین المللی یعنی نسل زدایی، جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت نیز محسوب شود. با این حال تا کنون هیچ اقدام جدی برای تعقیب و محاکمه ی اعضای داعش در دادگاه‌های ملی و بین المللی صورت نگرفته است. دولت عراق به استناد اصل صلاحیت سرزمینی، مقدم‌ترین کشور برای تعقیب و محاکمه ی این

افراد است. همچنین، کشورهایی که اعضای داعش از اتباع آن‌ها به شمار می‌روند و یا صلاحیت جهانی نسبت به جنایات بین‌المللی را پذیرفته اند با تکیه بر صلاحیت شخصی و صلاحیت جهانی می‌توانند برخی از اعضای داعش را تعقیب و محاکمه کنند. اما مهم تر از تعقیب و محاکمه توسط دادگاه‌های ملی، تعقیب و محاکمه ی اعضای داعش به ویژه سران آن در یک دادگاه کیفری بین‌المللی است. انتظار جامعه ی جهانی آن است که شورای امنیت، امر تعقیب و محاکمه ی اعضای داعش را در یک دادگاه بین‌المللی عملی سازد. این امر از دو طریق امکان پذیر است؛ تأسیس یک دادگاه بین‌المللی موردی مانند دادگاه یوگسلاوی و رواندا و یا ارجاع به دیوان کیفری بین‌المللی. همچنین، در این پژوهش، امکان محاکمه ی اعضای داعش در هر یک از دادگاه‌های مذکور مورد سنجش و ارزیابی حقوقی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هر یک از این دادگاه‌ها از مزیت‌های نسبی و شایسته‌ای برای تعقیب و محاکمه ی سران و اعضای داعش برخوردارند که دولت عراق و جامعه ی بین‌المللی باید از این ظرفیت‌ها به نحو شایسته استفاده نمایند.

طباطبایی و شارق (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی مشروعیت عملکرد ائتلاف ضد داعش (دولت اسلامی عراق و شام) از منظر حقوق بین‌الملل در سوریه» نشان می‌دهد شورای امنیت با صدور قطعنامه ۲۲۴۹ (۲۰۱۵) پس از تأکید بر حاکمیت و تمامیت سرزمینی دولت‌های عراق و سوریه و اینکه داعش تهدیدی جهانی و بی سابقه علیه صلح و امنیت جهانی است، بدون آنکه به صراحت اجازه توسل به زور علیه آن را بدهد، از توسل به آن علیه داعش حمایت می‌کند. فرشاسعید و شبانکاره (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «کاربرد زور علیه داعش از منظر حقوق بین‌الملل» به این موضوع می‌پردازد که داعش در برهه‌ای از زمان خود را دولت اسلامی نامیده است اما یک سازمان شورشی جهادی است که بر بخش‌های بزرگی از شمال عراق و شرق سوریه (در آن دوران) حاکم بوده است. شورای امنیت سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه‌های متعددی این گروه جهادی را یک سازمان تروریستی به حساب آورده است. ریسی و فرشاسعید (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی جنایات داعش از منظر حقوق بین‌الملل کیفری» به این موضوع می‌پردازد که شورای امنیت سازمان ملل متحد داعش را یک گروه تروریستی نامیده و آن را در لیست تحریم‌های سازمان ملل علیه القاعده قرار داده است. این شورا نتوانسته است به وظیفه اصلی خود که همان حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است عمل نموده و تا کنون اقدام موثری جهت برقراری صلح و امنیت در کشورهای عراق و سوریه انجام نداده است. داعش در کشورهای عراق و سوریه در یک مخاصمه مسلحانه داخلی شرکت دارد و جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، و نسل کشی مرتکب شده است. وظیفه حفاظت مردم در مقابل جنایات این گروه و پیگیری جنایات آن‌ها در عراق و سوریه به عهده دولت‌های این دو کشور می‌باشد و از آنجایی که این دولت‌ها توان حفاظت از مردم را ندارند، این مسئولیت به جامعه بین‌المللی بار می‌گردد و مسئله مسئولیت حمایت مطرح می‌شود. مراجع قضایی صالح برای پیگیری جنایات داعش در وهله نخست دادگاه‌های عراق و سوریه می‌باشند اما به دلیل عدم توانایی این کشورها در محاکمه افراد داعش نیاز است تا این پرونده در دیوان کیفری بین‌المللی مطرح گردد و چون این دو کشور عراق و سوریه اساسنامه این دیوان را امضا نموده اند این مرجع قضایی بین‌المللی صلاحیت پیگیری این جنایات را ندارد و تنها با ارجاع این پرونده توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌توان افراد جنایتکار داعش را در دیوان کیفری بین‌المللی کیفری محاکمه و مجازات نمود.

نمایان (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی سیاست کیفری بین‌المللی در رسیدگی به جنایات داعش» نشان می‌دهد برخی دولت‌ها ضمن ایجاد و به کارگیری گروه‌های تروریستی به مثابه ابزار تامین منافع ملی، قدرت عمل هنجاری و ساختاری نظام بین‌المللی را در حوزه مبارزه با تروریسم، مدیریت و حبس نموده‌اند. این مسئله موید این امر اقدامات تروریستی گروه داعش است که ماهیت تهدیدآمیز آن برای صلح و امنیت بین‌المللی، از اصل تروریسم به عنوان تهدید صلح و امنیت بین‌المللی نشأت می‌گیرد. زمانی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «ماهیت حقوقی داعش در حقوق بین‌الملل: دولت یا بازیگر غیردولتی؟» نشان می‌دهد؛ ظهور داعش و اقدامات خشونت‌باری که تحت لوای دولت اسلامی در عراق و سوریه انجام می‌دهد با واکنش‌های جدی در جامعه بین‌المللی همراه شده و با تحلیل ماهیت داعش و رویه بین‌المللی نتیجه گرفته شده است که داعش فاقد برخی معیارهای ضروری برای تشکیل دولت است و صرفاً بازیگری غیردولتی است. در نهایت؛ لسانی و یدائی امناب (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «امکان رسیدگی به جنایات داعش در دیوان کیفری بین‌المللی از دیدگاه حقوق بین‌الملل» نشان می‌دهد شمار وسیعی از رفتارهای مجرمانه جرم‌انگاری شده ذیل عناوین جنایات‌های جنگی و جنایات‌های علیه بشریت و حتی جنایت نسل‌زدایی، توسط جنایت‌پیشه‌های گروه داعش به فعلیت رسیده و صلاحیت موضوعی دیوان را احراز کرده است و از سوی دیگر، سوریه و عراق، عضو این دیوان نیستند. به نظر می‌رسد با لحاظ این دو موضوع و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی می‌توان با چهار سازوکار جنایت‌های داعش را در دیوان کیفری بین‌المللی تحت تعقیب قرار داد: الف) ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت به دادستان دیوان؛ ب) پذیرش صلاحیت دیوان در مورد «جرم» خاص از سوی کشورهای غیرعضو سوریه و یا عراق؛ ج) عضویت کشورهای غیرعضو سوریه و یا عراق در دیوان کیفری بین‌المللی؛ د) وقوع جرم توسط اتباع دولت‌های عضو اساسنامه دیوان در قلمرو کشورهای غیرعضو سوریه و یا عراق.

– رهیافت‌های جرم‌انگاری تروریسم

فرهنگ آکسفورد تروریسم را تلاش برای ضربه زدن به افراد خاص یا ایجاد وحشت دانسته است. فرهنگ وبستر آن را ایجاد وحشت یا وضعیت وحشت و همچنین آن را اعمال حاکمیت یا مبارزه با حاکمیت از طریق ارباب می‌داند (علیزاده و رحمانی، ۱۳۹۷: ۷۵۰). از این رو؛ اصطلاح تروریسم، استفاده از تهدید یا خشونت علیه اهداف غیرنظامی را برای اهداف سیاسی یا ایدئولوژیک توضیح می‌دهد (احمدیان و بنی‌اشرف، ۱۳۹۹: ۱۶۵). از این رو؛ منظور از جرم‌انگاری تروریسم، توصیف مجرمانه آن به صورت مستقل و متناسب با تحول مفهومی و مصداقی تروریسم است. زیرا بسیاری از اعمال تروریستی مانند قتل نفس، تخریب عمدی اموال و گروگانگیری، از گذشته‌های دور به عنوان جرایم طبیعی قابل مجازات بوده‌اند اما اتخاذ سیاست جنایی مناسب در این زمان به لحاظ ملاحظات داخلی و بین‌المللی و مقابله با همه اشکال تروریسم نیاز امروز جهان است (آزادی، ۱۳۹۳: ۳۵). بنابراین؛ چه مولفه‌ها و ضوابطی باید برای شناسایی اعضای گروه‌های تروریستی مورد استفاده قرار گیرد؟ می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

رهیافت نخست این است که گروه برای اهداف تروریستی ایجاد شده باشد نه اهداف مشروع. این جا منظور از اهداف مشروع، مبارزه با اشغال خارجی، مبارزه با رژیم‌های نژادپرست یا آپارتاید و یا در جایی است که از نظر حقوقی حق مشروعی برای تعیین سرنوشت توسط گروه‌هایی که برای تعیین سرنوشت خود و استقلال خواهی با دولت مرکزی می‌جنگند؛ وجود

داشته باشد. رهیافت دوم، هنگامی است که گروهی به دلیل توسل به روش‌های تروریستی صرف نظر از مشروعیت هدفش به عنوان گروه تروریستی، مورد طبقه بندی قرار گیرد. این دکترین بیشتر از سوی حقوق دانان امریکایی به منظور شناسایی حزب الله لبنان و گروه‌های فلسطینی که گروه‌های دارای اهداف مشروع محسوب می‌شوند و به عنوان گروه تروریستی معرفی شده اند ارائه شده که از این نظر قابل پذیرش نیست (نمایان، ۱۳۹۴: ۱۶۶).

-ماهیت اقدامات تروریستی داعش

داعش نام اختصاری دولت اسلامی شام و عراق است که برای مدتی چند به عنوان شبه دولت، دیدگاه حاکمیتی خود را در مناطق تحت کنترل خود اجرا می‌کرد. رویکرد داعش، جایگزینی حکومت دولت-ملت محور با حکومت خلافت محور بود (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۸: ۳۰۱). با این وجود؛ گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شام با نام اختصاری داعش منشعب از القاعده، گروه تروریستی مسلح با اندیشه و شیوه سلفی جهادی است که از منظر گرایش‌های عقیدتی و فکری و نیز چارچوب رفتاری، رویکرد یکسانی با القاعده دارد و اعضای آن تشکیل خلافت اسلامی و اجرای شریعت در عراق و سوریه را هدف غایی قلمداد نموده اند افزون بر این رفتارهای این گروه در طول یک دهه اخیر و بویژه طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ مویذ ویژگی رادیکالی و خشونت آمیز بودن آن در مقایسه با القاعده است. از این نظر؛ اقدامات ارتكابی داعش را می‌توان از جمله اقدامات تروریستی به شمار آورد چرا که این اقدامات از طریق روش‌های وحشت آمیز مانند حمله به غیرنظامیان، کشتار وحشیانه و به نمایش گذاردن اجساد قربانیان به دنبال سرنگون کردن حکومت حاکم بر دولت‌های سوریه و عراق بوده و هستند (نمایان، ۱۳۹۴: ۶۴).

یکی از نخستین مولفه‌های حقوقی مرتبط با توصیف داعش، لزوم تکمیل و تعمیق ماهیت تروریستی آن از منظر نهادهای بین المللی و دولت هاست. به واقع؛ تروریستی نامیدن این گروه منوط به وجود درجه‌ای از دیدگاه و اعتقاد با اقدام دولت‌ها در این زمینه است، در شرایط حاضر با وجود اقدامات برخی دولت‌ها در زمینه شناسایی داعش و درج آن در گروه‌های تروریستی (بر اساس تصمیمات و فرایندهای حقوق داخلی کشورهای مذکور) هنوز سیاست بین المللی در این زمینه که به توصیف مذکور ماهیت بین المللی و عام الشمول بدهد اتخاذ نشده است. دومین نقض مشهود داعش می‌تواند به ارتكاب جنایات بین المللی توسط این گروه اختصاص یابد؛ نسل زدایی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی؛ گزارشی که در ژوئن ۲۰۱۶ توسط «کمیسیون تحقیق بین المللی مستقل درباره جمهوری عربی سوریه» منتشر شد، تاکید کرد که داعش علیه اقلیت ایزدی ساکن در عراق مرتکب جنایت نسل زدایی و به دفعات دست به جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی زده است. سومین نقض داعش می‌تواند نقض مکرر مقررات حقوق بین الملل بشر باشد؛ قابلیت اعمال مقررات حقوق بین الملل بشر نسبت به بازیگران غیردولتی محل اختلاف است، چرا که حقوق بین الملل بشر به طور سنتی به عنوان تعهدات میان یک دولت و اتباع آن در نظر گرفته می‌شود؛ که البته دو مسئله عمده در برگیرنده دیدگاه مذکور است. بدین صورت است که الف- ارتقای ناخواسته مشروعیت بازیگران غیردولتی و ب- تضعیف ارزش و جایگاه حقوق بین الملل بشر از طریق وادار کردن گروه‌های غیردولتی به پایبندی به ارزش‌هایی که این گروه‌ها فاقد توانایی و ظرفیت لازم برای پایبندی به چنین ارزش‌هایی هستند. چهارمین نقض داعش می‌تواند در چارچوب حقوق بین الملل عرفی باشد؛ تعقیب اقدامات تروریستی داعش تحت حقوق

بین الملل عرفی. تعقیب اقدامات تروریستی داعش تحت حقوق بین الملل عرفی. اگر چه تا حدودی بحث برانگیز است اما حقوق بین الملل عرفی یا دست کم قاعده آمره به بازیگران غیردولتی همچون داعش الزام آور است؛ جایگزین نادرست این است که اجازه داده شود چنین بازیگرانی بدون مسئولیت مرتکب جنایات شوند (ساعدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۲۰). در مجموع گروهک داعش به لحاظ رهیافت‌های مربوط به جرم انگاری تروریسم هم دارای جوهر تروریستی است و هم از روش‌های تروریستی برای رسیدن به اهداف نامشروع خود استفاده می‌کند.

-سیاست کیفری بین الملل نسبت به جرایم گروه‌های تروریستی تکفیری با تاکید بر داعش

شورای امنیت سازمان ملل متحد تاکنون با صدور قطعنامه‌های متعدد نسبت به حوادث گوناگون تروریستی که در کشورهای مختلف به وقوع پیوسته واکنش نشان داده است. این شورا، ضمن محکوم کردن اقدامات تروریستی که تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی است، بر تعهد و همکاری دولت‌های عضو سازمان ملل متحد در مبارزه با تروریسم بین المللی نیز تاکید کرده است. مهم ترین آن‌ها قطعنامه شماره ۱۳۷۳ در واکنش به حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر است که بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد به اتفاق آرا در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ صادر شد. از نکات مهم قطعنامه شماره ۱۳۷۳، الزام کشورها در پیش بینی اقدامات تروریستی در قوانین و مقررات داخلی خود به عنوان جنایت مهم و در نظر گرفتن مجازات متناسب با شدت عملیات تروریستی است. شورا در این قطعنامه از دولت‌ها خواهان عضویت سریع در اسناد بین المللی مربوط به مقابله با تروریسم، از جمله «کنوانسیون مقابله با تامین مالی تروریسم» است (حبیب زاده و حکیمی ها، ۱۳۸۵: ۴۹). به عبارت دیگر؛ شورای امنیت سازمان ملل متحد از کلیه دولت‌ها درخواست کرده وفق قطعنامه (۲۰۰۱) ۱۳۷۳ در مقابله با سازمان دهندگان و تامین کنندگان اقدامات تروریستی ضمن همکاری با این نهاد بین المللی تدابیر ملی را به منظور پیش گیری از سرازیر شدن تروریست‌های خارجی به عراق و سوریه به کار گیرند. به علاوه از هرگونه ناامنی مالی برای اقدامات تروریستی پیش گیری نموده و مانع از فراهم شدن حمایت‌های مالی از گروه‌های تروریستی مذکور شوند. همچنین، شورای امنیت از سایر دولت‌ها خواسته هیچ گونه دارای مالی یا منابع اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم در اختیار گروه‌های تروریستی مذکور قرار ندهند و شهروندان خود را نیز از هرگونه کمک یا خدماتی در این زمینه منع کنند (نماین، ۱۳۹۴: ۱۸۰).

همچنین؛ شورای امنیت سازمان ملل متحد در نشست ۷۲۴۲ قطعنامه ۲۱۷۰ در ۱۵ اگوست ۲۰۱۴ تحت فصل هفتم منشور ملل متحد شامل یک مقدمه و ۲۴ بند و شش پیوست، علیه شاخه‌های جدید القاعده در عراق و سوریه گروه داعش و النصره به تصویب رساند. این قطعنامه از این جهت که محدودیت‌هایی را علیه این گروه‌ها و حامیان آن‌ها در نظر می‌گیرد اقدامی در مبارزه با تروریسم محسوب می‌شود از این رو؛ این قطعنامه ضمن این که در شورای امنیت با اجماع اعضای شورای امنیت به تصویب رسید، در خارج از شورا نیز با استقبال کشورهای جهان به خصوص دولت‌های سوریه و عراق روبه رو شده که طی سالیان متمادی و به ویژه از سال ۲۰۱۴ بیش از دیگر کشورهای جهان قربانی حملات تروریستی و دیگر اقدامات دهشتناک و تروریستی گروه‌های داعش و النصره شده اند (نماین، ۱۳۹۴: ۱۷۱).

بدین سان؛ اولین جنبه رسیدگی به اقدامات گروه داعش از حیث حقوقی، مبارزه با تروریسم است که در این زمینه، احراز و اثبات تروریستی در حقوق بین الملل به شرح فوق الذکر مورد بررسی قرار گرفت لذا ضروری است دولت‌ها از طریق شورای

امنیت ضمنی درج نام آن در فهرست سازمان‌های تروریستی، آثار حقوقی بر عملکرد این گروه و حامیان آن مترتب نمایند. همچنین؛ مطابق مفاد مقرر در قطعنامه ۲۱۷۰ شورای امنیت، ضمن محکومیت هرگونه مبادله مستقیم یا غیرمستقیم با گروه‌های تروریستی، بر قرارگرفتن مجرمان در فهرست تحریم‌ها تأکید شده است. همچنین، این قطعنامه ضمن ابراز نگرانی درباره استفاده از وسایل نقلیه از جمله هواپیما برای انتقال طلا و دیگر اقلام با ارزش و منابع اقتصادی برای فروش در بازارهای بین‌المللی در نواحی تحت کنترل داعش، اقدامات خاطیان را سبب انسداد دارای آنان برشمرده و این که شورای امنیت برای مهار تروریسم و عدم تسری آن به سایر کشورها در چارچوب حقوقی و اجرایی قطعنامه ۲۱۷۰ شورای امنیت، از محتوای دو قطعنامه ۲۱۶۰ و ۲۱۶۱ که طالبان، القاعده، تکفیری‌ها و النصره را هدف قرار داده، پیروی کرده و تحریم را به عنوان ابزار مشترکی در هر سه قطعنامه برای کنترل، تضعیف و محدودیت گروه‌های تروریستی به کار گرفته است. این قطعنامه درباره چگونگی بازخواست و محاکمه کشورهای حامی داعش که در شکل‌گیری و تجهیز گروه مذکور دخالت داشته‌اند و در قبال جنایات آن‌ها مسئولیت بین‌المللی دارند، اعلام داشته که به دلیل فراملی بودن آثار جنایات تروریستی داعش، به طور قطع کشورهایی که در روند شکل‌گیری و حمایت از گروه‌های تروریستی مذکور به هر طریقی دخالت داشته‌اند، به موجب مقررات بین‌المللی در زمره ناقضان معاهدات بین‌المللی حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر و نیز نسل‌کشی در عراق و سوریه محسوب می‌شوند (علیزاده و رحمانی، ۱۳۹۷: ۷۵۲-۷۵۳).

در این راستا؛ همچنین، سیاست کیفری-تقنینی سازمان ملل در قبال داعش را می‌توان چنین در نظر گرفت که عملکرد سازمان ملل متحد در مقابله با تروریسم و تکفیر به ویژه داعش بر اساس پیش‌گیری از ایجاد بحران شکل گرفته است... این سازمان در پی آن است که دولت‌ها بسترهای سیاسی، اجتماعی و... را به گونه‌ای فراهم آورند که افراد و گروه‌ها از توسل به ترور و اشکال آن خودداری کنند. همچنین، ممانعت از دسترسی تروریست‌ها به مواد هسته‌ای به عنوان تهدید جهانی در دستور کار سازمان ملل متحد قرار گرفته است (نمایان، ۱۳۹۴: ۱۶۹).

با این اوصاف؛ در خصوص قلمرو صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در مواجهه با جرایم داعش می‌توان چنین بیان داشت که ماده ۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، مصوب سال ۱۹۹۸ میلادی مقرر می‌دارد که این دادگاه قابلیت اعمال صلاحیت بر جنایات ارتكابی اشخاص (حقیقی) یعنی جنایات مندرج در این سند را که در زمره شدیدترین جنایات در عرصه بین‌المللی بوده داراست. بر این اساس، قلمرو صلاحیت دیوان، متضمن چهار گروه از جنایات است که عبارت‌اند از: جنایت نسل‌کشی (ماده ۶)، جنایت علیه بشریت (ماده ۷)، جنایات جنگی (ماده ۸) و جنایت تجاوز ارضی که در ماده ۵ اساسنامه دیوان احصاء شده است. به علاوه، تابعان دیوان، افراد حقیقی بالای ۱۸ سال تمام هستند، مفاد اساسنامه برای دولت‌هایی که جدیداً به اساسنامه پیوندند، عطف به ماسبق می‌شود یعنی به زمان لازم الاجراشدن اساسنامه بر می‌گردد (زرنشان، ۱۳۹۷: ۲۰۷).

با این اوصاف؛ به رغم اقدامات تروریستی گروه داعش؛ شورای امنیت، مجمع عمومی، اتحادیه عرب، سازمان همکاری‌های اسلامی و... در اتخاذ چنین تصمیمی موفق نبوده و حتی اغلب این موضوع را در دستور کار خود قرار نداده‌اند این در حالی است که از منظر افکار عمومی بین‌المللی، آن هم متأثر از موج جنایت‌های حاصله علیه غیرنظامیان، غارت اموال، اشغال شهرها و تهدیدات داعش برای ورود به سایر کشورهای منطقه، ماهیت تروریستی در حقوق بین‌الملل تأثیر گذار نخواهد بود. از این نظر راهکارهای حقوقی به منظور مقابله با اقدامات داعش، منوط به تقویت این جنبه مقدماتی توصیف وقایع و عناصر دخیل در آن است (علیزاده و رحمانی، ۱۳۹۷: ۷۵۲-۷۵۰).

از این رو؛ شایان به ذکر است در مورد سیاست‌های تقنینی رایج در قبال جرایم تروریستی - تکفیری دو رویکرد عمده در سطح کشورهای که با خطر تروریسم مواجه هستند وجود دارد: سیاست جنایی تقنینی اول؛ سیاست جنایی غیر افتراقی است و قانونگذار از جرم‌انگاری مستقل جرایم تروریستی - تکفیری خودداری می‌کند. در واقع؛ سیاست تقنینی برخی کشورها دائرمدار آن است که برای برخورد با تروریسم نیازی به جرم‌انگاری مستقل وجود ندارد و باید با تروریسم در قالب سایر جرایم مقابله کرد. به عبارت دیگر؛ نیازی به تخصیص عنوان خاص مجرمانه در قوانین کیفری تحت عنوان تروریسم نیست و مفهوم تروریسم خواه نا خواه به عنوان یکی از جرایم علیه اشخاص، جرایم علیه اموال و با جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی تعریف می‌گردد و نیازی به جرم‌انگاری مستقل نیست. اما سیاست جنایی تقنینی نوع دوم، سیاست جنایی افتراقی است و قانونگذار در بسیاری از کشورها در قبال جرایم تروریستی - تکفیری سیاست جرم‌انگاری افتراقی و مستقل را در پیش گرفته است؛ موافقان جرم‌انگاری جرایم تروریستی - تکفیری معتقدند که مفهوم تروریسم مفهومی در عصر حاضر شکلی جدید به خود گرفته است و اصول و مبانی مختلفی در راستای توجیه جرم‌انگاری آن مطرح نموده‌اند. اصل آسیب، پدرسالاری قانونی، اخلاق‌گرایی و کمال‌گرایی قانونی اصولی هستند که می‌توان ردپای هر یک را در جرم‌انگاری رفتارهای مجرمانه مختلف مشاهده کرد و به ترتیب پدرسالاری، اخلاق‌گرایی و کمال‌گرایی قلمرو بیشتری از آزادی را تحدید می‌کنند. بر اساس اصل زیان، تنها ممنوعیت رفتارهایی مجاز است که باعث زیان به دیگران می‌شود در گرایش پدرسالاری علاوه بر رفتارهای مورد اشاره در اصل زیان، رفتارهایی که باعث زیان به خویش می‌شود نیز ممنوع است در اخلاق‌گرایی موارد تجویز اعمال

محدودیت گسترش یافته و رفتارهایی که نه زبانی در بر دارند و نه موجب نقض ارزش‌های اجتماعی است اما موجب محرومیت شخص از کسب ثواب و فضیلت می‌شود قابل جرم انگاری می‌دانند (آزادی، ۱۳۹۸: ۴۴).

- سیاست کیفری ایران نسبت به جرایم گروه‌های تروریستی تکفیری با تاکید بر داعش

در حقوق کیفری ایران، عنوان مستقلی برای تروریسم پیش بینی نشده است... دستگاه قضایی ایران در برخورد با مرتکبان اعمال تروریستی، بسیاری از آن‌ها را مشمول عنوان محاربه دانسته است که یکی از مهم ترین جرایم علیه امنیت محسوب می‌شود. در این راستا؛ قانونگذار ایران در ماده ۱۸۳ ق.م.ا. در تعریف محاربه، قول مشهور فقهای امامیه را پذیرفته است اما در تعیین مصادیق محاربه، سیاست کیفری مقنن با نظر غالب فقهای اسلامی هماهنگ نیست و با مفهومی که خود از محاربه در ماده مزبور بیان داشته است، مطابقت ندارد. زیرا از یک طرف با نادیده انگاشتن تمایزی که در فقه میان محاربه و بغی وجود دارد، در مواد ۱۸۶، ۱۸۷ و ۱۸۸ ق.م.ا. مصادیق بغی را که مغایر با مفهوم محاربه مذکور در ماده ۱۸۳ است، محاربه می‌داند (حبیب زاده و حکیمی ها، ۱۳۸۵: ۵۸-۶۲).

از طرف دیگر سیاست کیفری قانونگذار این است که به منظور پیشگیری از وقوع جرایم مهم علیه حاکمیت داخلی یا خارجی کشور و یا جرایمی که به جمهوری اسلامی ایران لطمه شدیدی وارد می‌کند و همچنین به منظور سرکوبی عاملان آن‌ها بتواند شدیدترین مجازات یعنی اعدام را برای مرتکبان در نظر بگیرد. قانونگذار برای خروج از محدودیت تعیین مجازات‌ها و برای رسیدن به مقصود خود که اعمال شدیدترین مجازات یعنی اعدام برای مرتکبان جرایم علیه حاکمیت جمهوری اسلامی است، اقدام به توسعه مصادیق جرم محارب دانسته است (حبیب زاده و حکیمی ها، ۱۳۸۵: ۶۲).

در حقوق کیفری ایران، عنوان مجرمانه مستقلی برای تروریسم پیش بینی نشده است. پس از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر آمریکا و صدور قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت، دولت ایران پیش نویس لایحه «مبارزه با تروریسم» را در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۱۵ به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد. البته در این راستا؛ ممکن است با وجود عنوان مجرمانه «محاربه» و عناوین مشابه در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین متفرقه تصور شود خلأ قانونی در این زمینه وجود ندارد (حبیب زاده و حکیمی ها، ۱۳۸۵: ۵۰) با این اوصاف؛ تفاوت و تشابه میان محارب و تروریسم را می‌توان چنین برشمرد: در عبارتی که در مقام بیان خصوصیات و ویژگی‌های این دو جرم به کار گرفته شده است، تفاوت معناداری در مرتکب جرم مشاهده نمی‌شود. با وجود این که مرتکب این جرایم ممکن است حتی یک نفر باشد، اما معمولاً ارتکاب این جرایم به صورت گروهی واقع می‌شود. همچنین؛ به موجب ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی، مجازات معاون در جرم محاربه تعزیر خواهد بود از طرفی میزان تعزیر معاون هم در این ماده مشخص نشده و مانند ایرادی که در واگذاری انتخاب مجازات اصلی محارب به دادگاه بدون هیچ گونه ترجیحی، در واگذاری تعیین میزان تعزیر معاون محارب نیز این ایراد وجود دارد در حالی که در اسناد بین المللی مبارزه با تروریسم نه تنها به مباشر اصلی جرم توجه می‌شود بلکه نسبت به لزوم شناسایی تمامی بزهکاران اعم از شرکا و معاونان و نامنی کنندگان مالی تروریست‌ها به عنوان مجرم نیز تاکید شده است (مومنی، ۱۳۹۶: ۱۵۷).

ماده ۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ایران در واقع با اندک تفاوت جزئی تکرار همان بند «و» ماده ۳ قانون مجازات ۱۳۵۲ است عدم اقبال قانون گذار اسلامی را می‌توان از جمله به خاطر پرهیز از عمل متقابل و التزام محاکم کیفری ایران به آرای صادر شده احتمالی از کشورهای بیگانه دانست. از سوی خلاء قانونی در این زمینه، مانع اساسی است. با توجه به این که برخی اقدامات داعش در سوریه و عراق، مصداق جرائم بین المللی یاد شده در ماده ۹ ق.م.ا. است، ایران صلاحیت تقنینی و قضایی درباره این دسته از جرائم را دارد. ضروری است قانونگذار ایران، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، جنایت نسل زدایی و تروریسم بین المللی را با تبیین دقیق مفهومی، مورد جرم انگاری قرار دهد (مومنی، ۱۳۹۶: ۱۵۷).

در خصوص سياست جنايي قوانين ماهوي جمهوري اسلامي ايران در قبال جرامي تروريسته- تكفيري مي توان گفت: قانونگذار در قانون مجازات اسلامي مصوب ۱۳۹۲ از جرم انگاري مستقل در مقابل جريم تروريسته-تكفيري ديني خودداري کرده است و در قبال اين جريم مهم سكوت اختيار کرده است و به نظر مي رسد نگاه قانونگذار تدوين مقرراتي مستقل و افتراقي در برخورد با جريم تروريسته- تكفيري است و كيفر عناصر تروريست و افراط گرا را به فراخور تبلور بيروني در قالب جريمي از قبيل محاربه، افساد في الارض، بغي و جريم مندرج در فصل اول كتب پنجم قانون مجازات اسلامي مصوب ۱۳۷۵ (جريم ضد امنيت داخلي و خارجي کشور) قابل كيفر است (آزادي، ۱۳۹۸: ۴۱).

در خصوص محاربه بايد گفت که محاربه و جريم تروريسته- تكفيري انطباق کامل ندارد و با توجه به اين که محاربه به معني کشيدن سلاح به منظور ارباب و اخافه است با جريم تروريسته- تكفيري نسبت عموم و خصوص مطلق دارد چرا که محاربه را مي توان در قالب جريم تروريسته تعريف کرد لکن برخي از اقسام فعاليت هاي تروريسته- تكفيري از جمله تروريسم سايبري و يا بيوتروريسم شامل محاربه نمي شود مگر اين که مفهوم سلاح را توسعه بدهيم که اين امر مورد موافقت عموم فقها نيست (آزادي، ۱۳۹۸: ۴۲).

در خصوص افساد في الارض نيز از نظر فقهی بسياري از فقها باب مستقلی در خصوص افساد في الارض ندارند و به نظر مي رسد افساد في الارض را به عنوان جرم مستقلی ندانسته اند و آن را متصرف به مواردی دانسته اند که شرع حکم اعدام داده است مثل زنای به عنف، زنای محصنه، تکرار در جريم حدی که به نظر بسياري از فقها اين موارد از مصاديق افساد في الارض است و جرم مستقلی تحت عنوان افساد في الارض در منابع فقهی نيامده است زيرا بسيار بعيد است شارع مقدس که در جريم حدی با تفصيل کامل، احکام مربوط به حدود را تبیین کرده است، جرم افساد في الارض را مهمل و مجمل گذاشته باشد مع الوصف با تصويب قانون مجازات اسلامي مصوب ۱۳۹۲ و به موجب ماده ۲۸۶ جرم افساد في الارض با مستندي عام به فهرست عناوين مجرمانه اضافه گرديده است (آزادي، ۱۳۹۸: ۴۳).

در خصوص بغي نيز لازم به ذکر است تنها برخي از اشکال جريم تروريسته- تكفيري در قالب قيام مسلحانه است و در يك تفسير کلی جهت شناسايي جريم تروريسته- تكفيري از ساير جريم بايد گفت علاوه بر برخي از مصاديق عنصر مادی که در قانون مبارزه با تامين مالي تروريسم به آن پرداخته شده است یکی از شاخصه هاي جريم تروريسته شاخصه عنصر رواني است کما اين که برخي از جريم تروريسته- تكفيري از نظر عناصر مادی و شکل ظاهري همان جريم عادی از قبيل سرقت، راهزني، خروج غيرقانوني از مرز و... است و تنها شاخصه تفكيك آن عنصر معنوي و قصد مجرمانه در جريم تروريسته- تكفيري است و همين که عناصر تروريست مبادرت به يك سرقت عادی با اهداف تروريسته کنند اين جرم مصاديق فعاليت تروريسته محسوب مي شود (آزادي، ۱۳۹۸: ۴۴).

قانون گذار در قانون مجازات اسلامي بر خلاف ساير کشورها هيچ اشاره اي به جريم تروريسته نکرده و برخورد با آن را صراف در قالب جريم سنتي و بر اساس نحوه بروز و ظهور جريم تروريسته پيش بيني نموده است علي ايحال در کمال تعجب در سال ۱۳۹۴ در قالب قانون مبارزه با تامين مالي تروريسم؛ از طريق ذکر مصاديق اقدام به تعريف جريم تروريسته نمود و در يك رويدادی نادر، در حالی که جريم تروريسته را اساس جرم انگاري نکرده است، مبادرت به جرم انگاري یکی از فعاليت هاي مرتبط با جريم تروريسته يعني تامين مالي تروريسم نمود. تعريف جرم اصلي در يك قانون فرعی و جرم انگاري يك شاخه فرعی از فعاليتي که جرم انگاري نشده است، نشان از سردرگمی و عدم انسجام در برخورد با جريم تروريسته دارد. در اين راستا؛ ضرورت اتخاذ سياست جنايي افتراقي در قانون آيين دادرسي کيفري در قبال جريم تروريسته- تكفيري الزامي به نظر مي رسد چرا که اصل قانونمندی اصل شخص بودن حقوق کيفري و ساير اصول رسيدگي منصفانه و يکسان به جريم کيفري از دستاوردهاي مهم حقوق جزاي مدرن جهان مي باشد و ليکن

از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد بسیاری از نظام‌های عدالت کیفری به تدریج اصل یکنواختی و رسیدگی یکسان به تمامی پرونده‌های کیفری را کنار گذاشته و از یکسان سازی عبور کردند و از راهبرد افتراقی به عنوان یک راهبرد جدید و مبنا که موجبات لایه بندی و چندگانه سازی و رسیدگی تخصصی را فراهم می‌کند، سخن به میان آوردند (آزادی، ۱۳۹۸: ۴۵).

بر این اساس؛ آیین دادرسی کیفری ایران در برخورد با جرایم تروریستی ناکارآمد است زیرا بر اساس اصل رسیدگی یکسان و یکنواخت به تمامی جرائم، هیچ تفاوتی میان جرایم تروریستی و سازمان یافته و سایر جرایم سنتی وجود ندارد و این امر جوابگوی نیازهای امنیتی کشور نمی‌باشد و لازم است از یک نظام دادرسی افتراقی جهت برخورد با جریانات تروریستی بهره گرفته شود اما نکته حائز اهمیت در ایجاد این نظام دادرسی افتراقی، برقراری تعادل بین امنیت و اصول دادرسی منصفانه و عادلانه است. در آیین دادرسی کیفری افتراقی باید موارد مهمی از قبیل اختصاص ضابطین متخصص و آموزش دیده جهت مقابله با جرایم تروریستی، افزایش اختیارات پلیس و ضابطان، مقررات ویژه در خصوص جمع آوری ادله و اطلاعات در جرایم تروریستی، پیش بینی شعب خاص در دادگاه انقلاب، نحوه گذراندن محکومیت و چگونگی بازپروری یا طرد کامل عناصر تروریست از جامعه و غیره پیش بینی گردد (آزادی، ۱۳۹۸: ۴۶). در نهایت؛ آن چه مسلم است این که نظام عدالت کیفری باید از تمامی ظرفیت‌های موجود و همه ابزارهای ممکن جهت برخورد قاطع با چنین عناصری بهره گیرد و قانونگذار گفتمان افتراقی سازی سیاست جنایی را در چارچوب سه معیار؛ اول- خصیصه جرم دوم- ویژگی‌های بزه‌کار و سوم- موقعیت بزه دیده در دستور کار خود قرار دهد؛ این سه معیار می‌توانند موجباتی را برای رسیدگی افتراقی، برخورد تخصصی و دقیق با موضوع و صدور احکام خاص فراهم نمایند (آزادی، ۱۳۹۸: ۴۷).

نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی و مطالعه « بررسی حقوقی جرم شناختی جرایم ارتكابی گروهک‌های تروریستی-تکفیری با تاکید بر داعش » انجام گرفته است. از این رو؛ به لحاظ رهیافت‌های جرم انگاری تروریسم؛ گروه داعش هم دارای جوهر تروریستی است و هم از روش‌های تروریستی برای رسیدن به اهداف نامشروع خود استفاده می‌کند.

در شرایط حاضر با وجود اقدامات برخی دولت‌ها در زمینه شناسایی داعش و درج آن در گروه‌های تروریستی (بر اساس تصمیمات و فرایندهای حقوق داخلی کشورهای مذکور) هنوز سیاست بین المللی در این زمینه که به توصیف مذکور ماهیت بین المللی و عام الشمول بدهد اتخاذ نشده است لذا ضروری است دولت‌ها از طریق شورای امنیت ضمن درج نام آن در فهرست سازمان‌های تروریستی، آثار حقوقی بر عملکرد این گروه و حامیان آن مترتب نمایند.

سیاست کیفری ایران نسبت به جرایم گروهک تروریستی تکفیری سیاست مقتدرانه و سخت گیرانه است اما از برخی خلاءها برخوردار است. قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از جرم انگاری مستقل در مقابل جرایم تروریستی- تکفیری دینی خودداری کرده است و در قبال این جرایم مهم سکوت اختیار کرده است و کیفر عناصر تروریست و افراط گرا را به فراخور تبلور بیرونی در قالب جرایمی از قبیل محاربه، افساد فی الارض، بغی و جرایم مندرج در فصل اول کتب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (جرایم ضد امنیت داخلی و

خارجی کشور) قابل کیفر است. در این راستا؛ ضرورت اتخاذ سیاست جنایی افتراقی در قانون آیین دادرسی کیفری در قبال جرایم تروریستی- تکفیری الزامی است.

در مجموع؛ هر چند به لحاظ دادگاه و مراجع قضایی صالح برای پیگیری جنایات داعش دولت عراق به استناد اصل صلاحیت سرزمینی، مقدم ترین کشور برای تعقیب و محاکمه ی این افراد است اما مهم تر از تعقیب و محاکمه توسط دادگاه‌های ملی، تعقیب و محاکمه ی

اعضای داعش به ویژه سران آن در یک دادگاه کیفری بین المللی است. همچنین به نظر نمی‌رسد اقدامات یک جانبه یا حتی دو جانبه، برای مقابله با تهدیدی که جهانی است کافی باشد برای محدود ساختن تروریست‌های بین المللی همکاری و هماهنگی بین المللی ضروری است.

در مجموع برای مقابله و پیشگیری از شکل‌گیری و یا قدرت‌گیری گروهک‌های تروریستی در تعامل بین دولت‌ها و سازو کارهای تعامل گرایانه دولت‌ها در پیشگیری از شکل‌گیری گروه‌های تروریستی ترسیم و در سطح عملی قرار گیرد البته برای مقابله با آن مجازات‌های سخت‌گیرانه تنها به عنوان آخرین حربه می‌تواند پیشنهاد این پژوهش باشد.

فهرست منابع

- احمدیان، قدرت، و بنی‌اشراف، سیدامیرحسین. (۱۳۹۹). نظم سرمایه‌داری پست‌مدرن و ظهور موج پنجم تروریسم؛ تحلیل موردی داعش و بوکوحرام. روابط خارجی، ۱۲(۱)، ۱۶۳-۱۸۶.
- آزادی، احسان. (۱۳۹۸). اقدامات دولت‌ها برای مقابله با جرایم تروریستی. مجله علمی فقه، حقوق و علوم جزا، ۴(۱۱)، ۳۴-۵۲.
- حبیب‌زاده، جعفر، و حکیمی‌ها، سعید. (۱۳۸۵). ضرورت جرم‌انگاری تروریسم در حقوق کیفری ایران.
- ریسی، لیلا ریسی، و پرویز فرشاسعید. (۱۳۹۴). بررسی جنایات داعش از منظر حقوق بین‌الملل کیفری. کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی.
- زرنشان، شهرام، و میرجعفری، سید حسین. (۱۳۹۷). قابلیت تعقیب سران گروه تروریستی داعش در دیوان کیفری بین‌المللی. مجله حقوقی بین‌المللی، ۵۹، ۲۰۵-۲۲۴.
- زمانی، سیدقاسم. (۱۳۹۴). ماهیت حقوقی داعش در حقوق بین‌الملل: دولت یا بازیگر غیردولتی؟ دولت‌پژوهی، ۱۱(۱)، ۱۱۳-۱۳۱.
- ساعدی، بهمن، و آرش پور، علیرضا، و فرزنامی‌نسب، عبدالرضا. (۱۳۹۹). مخاصمه مسلحانه عراق؛ تحلیل اقدامات ارتكابی داعش از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری. مطالعات حقوق عمومی (حقوق)، ۵۰(۲)، ۸۰۹-۸۳۶.
- سلیمی‌ترکمانی، حجت. (۱۳۹۸). مسئولیت بین‌المللی اقدامات داعش در عراق. حقوقی بین‌المللی، ۶۱، ۲۸۱-۳۰۹.
- سید حسام‌الدین لسانی، محسن یدائی امناب. (۱۳۹۴). امکان رسیدگی به جنایات داعش در دیوان کیفری بین‌المللی از دیدگاه حقوق بین‌الملل. سیاست خارجی، ۲۹(۴)، ۵۱-۷۹.
- صالحی، محمدعلی، و داوری، محمد. (۱۳۹۵). امکان‌سنجی محاکمه اعضا و سران گروه داعش در محاکم کیفری ملی و بین‌المللی آموزه‌های حقوق کیفری. مطالعات حقوق عمومی (حقوق)، ۱۱، ۱۳۷-۱۶۵.
- طباطبایی، سیدمحمد، و شارق، زهراسادات. (۱۳۹۵). بررسی مشروعیت عملکرد ائتلاف ضد داعش (دولت اسلامی عراق و شام) از منظر حقوق بین‌الملل در سوریه. مطالعات حقوق عمومی (حقوق)، ۴۶(۱)، ۱۷۹-۲۰۱.
- علیزاده، مسعود، و رحمانی، ابراهیم. (۱۳۹۷). ظرفیت‌های جامعه بین‌المللی برای رویارویی با گروه تروریستی تکفیری داعش (چالش‌ها و امیدها). مطالعات حقوق عمومی (حقوق)، ۴۸(۴)، ۷۴۷-۷۶۳.
- فرشاسعید، پرویز، و شبانکاره، یدالله. (۱۳۹۵). کاربرد زور علیه داعش از منظر حقوق بین‌الملل. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان اصفهان، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی. دوره ۳.

- کوشا، سهیلا. (۱۳۹۷). پیشگیری و مقابله با حملات تروریستی «داعش» در حقوق بین‌الملل. مطالعات حقوق عمومی (حقوق)، ۴۸(۴)، ۸۲۹-۸۴۷.
- محمدی، مسلم. (۱۳۹۲). سلفی‌گری و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه مفید.
- نماین، پیمان. (۱۳۹۴). ارزیابی سیاست کیفری بین‌المللی در رسیدگی به جنایات داعش. مطالعات راهبردی، ۱۸(۱)، ۱۵۹-۱۹۰.